



دوفصلنامه پژوهشی در ادبیات کودک و نوجوان

شماره ۴، بهار و تابستان ۱۴۰۰

ISSN: ۲۲۸۴-۲۷۸۳

- باز آفرینی و باز نویسی در ادبیات تعلیمی کودک با تکیه بر متون کهن قلموس نامه - سیاستنامه دهه ۶۰ تا ۹۰
- باز تاب مفاصل جنگ در شعر کودک و نوجوان دهه های ۸۰ و ۹۰ (با تأکید بر ده شاعر کودک و نوجوان)
- بررسی تأثیر جنگ ایران و عراق در ایجاد تصاویر تخیلی داستان شب بغیر فرمانده بر اساس نظریه ژیلبر دوران
- بررسی تطبیقی الماسه های و کهن الگوهای ایرانی و لهستانی
- بررسی ساختاری هنر شخصیت در داستان های نوجوان محمدرضا پیرامی
- بررسی لزوم آموزش مسائل جنسیتی کودکان در ادبیات کودک ایران با توجه به متدهای تربیتی فرهنگی و رشد درک کودک
- بررسی مؤلفه های اجتماعی و تربیتی در اشعار شاعران شاخص ادبیات کودک و نوجوان (با تکیه بر آثار اسدالله شعبانی، جعفر ابراهیمی و الماسه شعبان نژاد)
- تأثیر لعه گوی الکترونیکی بر رشد مهارت های اجتماعی و تنظیم هیجانی کودکان کم توان ذهنی
- تحلیل محتوای مفاصل و ویژگی های داستان رونی یک پیلو لورت داده با تأکید بر موضوعات تربیتی و آموزشی
- تحلیل نشانه معناشناختی سازه روایی شخصیت در کتاب تصویر سپکانا
- مروری بر اهمیت آموزش کار آفرینی در مقطع ابتدایی
- نگرشی انتقادی به کارکرد زبان در آثار کودکان و نوجوانان

بازآفرینی و بازنویسی در ادبیات تعلیمی کودک با تکیه بر متون کهن قابوس نامه-سیاست نامه دهه ۶۰ تا ۹۰

مرجان ریحانیان مشهدی^۱ و بهاره محمدزاده^۲

۱. کارشناس ارشد ادبیات کودک و نوجوان، دانشگاه شهید بهشتی، تهران. ایران
۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد تهران شمال. تهران. ایران

چکیده

ادبیات کهن ایران منبع پایان ناپذیری برای تولید محصولات فرهنگی متنوع برای همه گروه‌های سنی است و چگونگی روایت نویسندگان از این منبع ماندگار بسیار حائز اهمیت است. تعلیم و تربیت همواره یکی از نخستین دغدغه‌های زندگی بشر بوده و به تدریج با پیدایش و تکامل ادبیات و تقسیم آن به انواع مختلف بسیاری از ادیبان بر آن شدند تا با درآمیختن ادب و آموزه‌های پرورشی راه را برای تعلیم و تربیت هموار کنند و بدین ترتیب ادب تعلیمی شکل گرفت. ادبیات تعلیمی ادبیاتی است که خوشبختی انسان را در گرو بهبود رفتار اخلاقی او می‌داند. از آنجا که ایران مهد ادبیات تعلیمی است، بسیاری از نویسندگان از گذشته تا به اکنون متون کهن را مبنای معیار کار خود قرار داده‌اند تا براساس ذوق ادبی، ذهنیات و تخیل خود آن را دوباره آفریده و یا با باز نوشتن آن اثر کهن به زبان امروزی و مناسب‌سازی آن به لحاظ فرم و محتوا اقتباسی از متون تعلیمی کهن را برای مخاطب خود به ارمغان آورند. قابوس نامه و سیاست نامه از جمله کتب برجسته و حائز اهمیت متون تعلیمی و اندرزی است که بارها بازنویسی و بعضاً بازآفرینی شده است. در مقاله حاضر آمار بازآفرینی و بازنویسی این دو اثر کهن در ادبیات داستانی کودک و نوجوان طی دهه‌های شصت تا نود صد شده و یکنواختی بازتولید و اثرگذاری آن مورد بررسی قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: ادب تعلیمی، بازآفرینی، بازنویسی، قابوس نامه، سیاست نامه.

مقدمه

ادبیات کودک همچون مفهوم کودکی گستره وسیعی از تئوری‌های صاحب‌نظران را به خود اختصاص داده است و به نوعی می‌توان گفت هر اندیشمندی از دریچه ذهن خود به تعریف این مفهوم پرداخته است. به طوری که امروزه می‌توان اولویت آموزش را در ادبیات کودک حذف و حس لذت هنری را جایگزین آن کرد. ادبیات کودک از دو مفهوم ادبیات و کودک تشکیل شده است، به این صورت که متن ادبی به‌عنوان ادبیات از نظر محتوا و فرم نیازهای کودک را اکتفا می‌کند و بین کودک و ادبیات تعامل رخ می‌دهد، بنابراین اگر نوشته‌های چنین شرایطی را داشته باشد، ادبیات کودک شمرده می‌شود. (شاه‌آبادی، ۱۳۸۵: ۲۲)

متن ادبی می‌تواند در بردارنده موضوعات مختلف تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، روانشناختی و حتی آموزشی باشد، اما مهم تعامل بین متن ادبی و کودک است که آن را تبدیل به ادبیات کودک می‌کند. این تعاریف ادبیات کودک را ادبیاتی برتر معرفی می‌کند که به کمک آن می‌توان به انتقال پیام‌ها، مفاهیم، عواطف، اندیشه‌ها و همچنین لطیف‌تر کردن احساسات و نیز آموزش و پرورش تخیل و استعداد کودکان پرداخت. کودکان با این احساسات لطیف به نوعی از زیبایی نیاز دارند که به رشد روانی و عاطفی آنان کمک کند. زیبایی در ادبیات کودکان نیز شکل خاصی از زیبایی هنر است؛ در واقع ادبیات کودک به کار گرفتن واژه‌های مناسب و هنری

برای کودکان در آفرینش نوشته‌ها و سروده‌هایی است که بتواند درخور فهم، درک، عواطف و نیازهای ذهنی، گفتاری و شنیداری کودکان باشد و زیبایی هنری را انتقال دهد.

ایجاد رابطه میان متون کهن و ادبیات امروزه همواره یکی از مباحث پرکشش و جذاب بوده است. بخشی از آثار روایی که شاعران و نویسندگان فارسی زبان و ایرانی در دوره‌های کهن آن‌ها را خلق کرده‌اند، مورد توجه داستان نویسان امروزی قرار گرفته است؛ این توجه گاه به استفاده از عناصر اثر کهن در عصر جدید می‌انجامد که به اقتباس ادبی مشهور است. مبحث اقتباس در ایران برخلاف کشورهای پیشرفته تنها در بخش سینما و تئاتر معنا دارد، تلفیق این مقوله با ادبیات کمک می‌کند تا تعریف نسبتاً کاملی از برداشت‌های ادبی نسبت به متون دیگر به دست آید.

اقتباس الگویی خلاصه شده از یک اثر است که اجازه آشنایی اولیه را با آن اثر می‌دهد و در یک برخورد کوتاه مدت اجازه صرفه‌جویی در وقت و مزارت نکشیدن در خواندن را در اختیار خواننده یا تماشاگر می‌گذارد. (وانوا، ۱۳۷۹: ۱۱)

امروزه بسترهای مناسبی برای انتقال ادبیات کهن به نسل کودک و نوجوان فراهم شده است تا پاسخگوی علائق، کنجکاو‌ها و نیازهای آن‌ها باشد. در این میان بسیاری از داستان‌ها و قصه‌های کودک و نوجوان ایرانی برخاسته از ادبیات کهن فارسی و اقتباس از آن‌هاست.

ادبیات تعلیمی به آن دسته از آثار ادبی اطلاق می‌شود که محتوای آن‌ها آموزه‌های اخلاقی، اجتماعی یا علمی است و به هدف تعلیم و تربیت آفریده می‌شود. عنصر المعالی قابوس‌نامه را برای فرزندش گیلان‌شاه نوشته و در آن از آداب اجتماعی، تربیت فرزند و آداب مملکت‌داری سخن گفته و در واقع خواسته با تألیف این کتاب محاصل تجربیات خود را در اختیار فرزندش بگذارد و او را راهنمایی کند و مسائل مختلف زندگانی، هنرها و پیشه‌های گوناگون آن زمان را به او بیاموزد. دقیقاً همان کاری که یک متن ادبی با مخاطب خود باید انجام دهد و تنها تفاوتش با متن ادبی مورد نظر پیتر هانت لذت است.

نودلمن لذت را نخستین دلیل برای خواندن هر متن ادبی و به‌ویژه متن‌های ادبیات کودک می‌داند؛ البته لذتی که او در نظر دارد شاخص‌هایی درخور ادبیات کودک را نمایان می‌کند. او و رایمر درباره عوامل و چگونگی لذت‌بخشی متن برای کودکان و نوجوانان به‌طور مفصل توضیح می‌دهند و شاخص‌هایی را برای واکاوی با این دید تبیین می‌کنند.

هر داستان بازنوشته‌ای را، مستقل از متن کهن و به‌عنوان داستان کودک، با همین معیار می‌توان واکاوی کرد، اما این واکاوی تنها برای راه یافتن به وادی ادبیات کودک است و بی‌تردید، اقتباس از آن رو که از متنی کهن بهره برده است، از دیگر متن‌ها متمایز می‌شود؛ البته این ویژگی نیز می‌تواند دلیلی برای لذت‌بخشی آن باشد. به سخن دیگر اقتباس به‌عنوان روشی برای خلق اثر ادبی برای کودک و نوجوان ظرفیت‌هایی برای لذت‌بخشی دارد که اگر نویسندگان به درستی آن‌ها را دریابند، چه بسا که متن‌هایی بسیار موفق برای کودکان بیافرینند. متن‌هایی که با همین ویژگی اقتباسی بودن خود دلیلی افزون‌تر برای لذت بردن کودکان دارند.

نویسندگان معاصر با گزینش داستان‌های کهن و خلق دوباره آن برای کودک و نوجوان تخیل را برای آن‌ها فراهم کرده‌اند. ادبیات کودک و نوجوان در ایران به دو گروه رسمی و غیررسمی تقسیم شده است. ادبیات رسمی به مجموعه آثار ادبی گفته می‌شود که مخاطب آن کودک و نوجوان است و ادبیات غیررسمی آثاری است که در اصل برای کودک و نوجوان نوشته نشده است، اما این گروه در استفاده از این آثار سهیم هستند. تاریخ جدید کودکی به‌طور مستقیم برکنش‌های جمعی کودکان با بزرگسالان و کودکان با یکدیگر تمرکز می‌کند.

پیشینه پژوهش

رگه‌هایی از ادبیات تعلیمی در ادبیات قبل از اسلام و اندکی پس از آن دیده می‌شود، بنابراین پیشینه این امر بسیار طولانی است. کهن‌ترین بازنویسی از قابوس‌نامه به سال ۱۳۴۱ به‌دست مهدی آذرین‌زادی در جلد سوم مجموعه قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب برمی‌گردد.

تاکنون در مورد قابوس‌نامه پژوهش‌های متعددی در زمینه‌های مختلف صورت گرفته است:

بررسی نحوه نگارش به ساختار خانواده و دوره‌های زندگی در قابوس‌نامه از عباس نیک بخت، رعنا جمشید بیگی، نگاهی به قابوس‌نامه از منظر ادبیات کودک و نوجوان از محمد تراب بیگی، تعلیم و تربیت کودک از دریچه نگاه عنصرالمعالی از نسرين کمالی، تابندگی قرآن مجید در قابوس‌نامه، بررسی تطبیقی مهارت‌های اجتماعی از دیدگاه روانشناسی در قابوس‌نامه، تأثیر قابوس‌نامه بر ادبیات انگلیسی، تأثیرگذاری قابوس‌نامه بر آثار بعد از خود و بسیاری موارد دیگر صورت گرفته است، اما در زمینه بازآفرینی و بازنویسی قابوس‌نامه و سیاست‌نامه مقاله‌ای یافت نشده است. همچنین آماری از بازنویسی سیاست‌نامه برای کودکان به دست نیامده است. در گذشته معتقد بودند که کودکان باید جامعه‌پذیری داشته باشند تا یاد بگیرند در آینده چه راهی را پیشه زندگی خود کنند. این دیدگاه قابل تأمل است، اما عمل به آن جامعه را ایستا می‌کند و در واقع فرد آموزش دهنده صرفاً خود را دوباره تولید می‌کند و نه بیشتر. در صورتی که پرداختن به وضعیت حال کودک تأثیرگذارتر است و جامعه‌ای پویا پیش رو خواهیم داشت. آیا پرداختن به متون آموزشی و ایدئولوژی خود را به کودک تحمیل کردن در عصر کنونی همچنان مناسب است؟

نظریه

بخش عمده‌ای از تفکر جامعه‌شناسی درباره کودکان و کودکی از نظریه جامعه‌پذیری یعنی فرآیندی که کودکان به وسیله آن خود را با جامعه سازگار و جامعه را در خود درونی می‌کنند، نشأت می‌گیرد. این تفکر بیش از همه بر جامعه‌پذیری اولیه در خانواده، که به کودک به مثابه موجودی می‌نگرد که جامعه را در خود درونی می‌کند، متمرکز شده است؛ (کورسارو، ۱۳۹۳: ۲۶) به عبارت دیگر در این نظریه کودک به مثابه چیزی جدا از جامعه نگریسته می‌شود که باید به منظور تبدیل شدن به عضوی کاملاً کارکردی شکل بگیرد و به وسیله نیروهای خارجی هدایت شود. دو نگاه متفاوت از فرآیند جامعه‌پذیری مطرح است. نگاه جبرگرایانه مدلی که بر اساس آن کودک اساساً منفعل است. بر اساس این دیدگاه کودک در آن واحد هم موجودی شکل نایافته با امکان بالقوه مشارکت در حفظ جامعه در نظر گرفته می‌شود و هم خطری وحشی که باید از طریق آموزش دقیق کنترل شود. نگاه دوم یعنی مدل سازه‌نگر کودک به مثابه عاملی فعال و مشتاق آموزش در نظر گرفته می‌شود. بر اساس این دیدگاه دنیای اجتماعی و جایگاهش را در این دنیا به روشی فعالانه می‌سازد. به نوعی این کودک است که جامعه را به شکل خود در می‌آورد.

نظریه پردازان اولیه جامعه‌پذیری با مشکلی روبه‌رو بودند. در آن دوره فردگرایی فلسفه غالب بود؛ در این فلسفه تمرکز بر چگونگی ارتباط فرد با جامعه است. با این وجود در آن زمان جامعه تعیین کننده قدرتمند رفتار فردی نیز تلقی می‌شد. این نظریه‌ها چگونه می‌خواستند به حل تعارض بپردازند. (همان: ۲۷) راه حل این مسئله دیدگاهی تئوریک است که به توصیف چگونگی آماده‌سازی کودک از منظر جامعه بپردازد. منظور از آماده‌سازی کنترل کودک به وسیله جامعه است. درحقیقت جامعه کودک را به شکل خود درمی‌آورد. کودک از این رو آموزش می‌بیند تا در نهایت به عضوی لایق و مفید برای جامعه تبدیل شود. این مدل از جامعه‌پذیری به این دلیل جبرگرایانه نامیده شده است که کودک اساساً نقش منفعلی بازی می‌کند. در درون مدل جبرگرایانه دو دیدگاه فرعی پیدا شدند که در درجه اول از نظر نوع نگاه به جامعه باهم تفاوت داشتند. از یک طرف دیدگاه‌های کارکردگرایانه قرار دارند که به نظم و تعادل در جامعه معتقدند و بر اهمیت آموزش و آماده‌سازی کودکان برای متناسب شدن و کمک کردن به این نظم تأکید می‌کنند. از طرف دیگر دیدگاه‌های معتقد به بازتولید قرار دارند که بر روی تعارضات و نابرابری‌ها در جامعه تأکید می‌کنند و معتقدند دسترسی به آموزش و سایر منابع اجتماعی در میان اعضای جامعه نابرابرانه است.

دیدگاه‌های کارکردگرایانه بر توصیف ابعاد سطحی‌تر جامعه‌پذیری تأکید می‌کردند:

سؤال این بود که کودکان برای درونی کردن (جامعه) چه چیزهایی نیاز دارند و والدین برای تضمین چنین درونی کردنی باید از چه روش‌های تربیتی یا کدام یک از استراتژی‌های آموزشی استفاده کنند؟ کارکردگرایان به این مسئله که کودکان چرا و چگونه با جامعه هماهنگ می‌شوند، توجه چندانی نداشتند.

دیدگاه‌های بازتولیدی: تب دیدگاه جامعه‌شناسی کارکردگرایانه با توسعه نظریه جامعه‌شناسی فرونشست. بنابر نظر تعدادی از نظریه‌پردازان درونی کردن ضرورت‌های کارکردی جامعه می‌تواند به مثابه کنترل اجتماعی در نظر گرفته شود که حاصل آن بازتولید اجتماعی یا حفظ نابرابری‌های طبقاتی است. (همان: ۲۹) این مدل‌های بازتولیدی بر امتیازاتی تأکید می‌کنند که افراد طبقات بالاتر از آن‌ها برخوردارند. برای مثال والدینی که از گروه‌های متعلق به طبقات اجتماعی بالاتر هستند، می‌توانند اطمینان داشته باشند کودکانشان از آموزش‌های باکیفیت در مؤسسات دانشگاهی معتبر برخوردار خواهند بود.

نقاط ضعف نگاه جبرگرایانه: نظریه‌پردازان معتقد به دیدگاه بازتولید متوجه این نکته بسیار مهم شدند که تضاد اجتماعی و نابرابری تأثیرات عمیقی بر زندگی کودکان دارند. با وجود این هم تئوری‌های کارکردگرایانه و هم تئوری‌های معتقد به بازتولید به دلیل تأکید بیش از حدشان بر روندهای جامعه‌پذیری، دست کم گرفتن ظرفیت‌های فعالانه و خلاقانه تمامی اعضای جامعه و غفلت از طبیعت تاریخی و تعیین‌ناپذیر کنش و بازتولید اجتماعی مورد انتقاد هستند. خلاصه کلام اینکه الگوهای انتزاعی فرآیندهای بسیار پیچیده را بسیار ساده انگاشته‌اند و در این فرآیند اهمیت کودکان و کودکی را در جامعه به‌درستی تشخیص نمی‌دهند.

در این زمینه پرسش کلیدی این است که کودکان و کودکی در کجا به قالب این نظریات انتزاعی برخاسته درباره ساختار اجتماعی درمی‌آیند؟ عجب نیست که برخی از نظریه‌پردازان اهمیت فعالیت‌های کودکان را ناچیز جلوه می‌دهند. فعالیت‌های کودکان از نظر آن‌ها بی‌اهمیت و غیرکارکردی هستند. سایر جبرگرایان به نظریه‌های درباره رشد و یادگیری کودک متمایل شدند که دیدگاه‌هایشان را به تبیین مکانیسم‌های جامعه‌پذیری مجهز می‌کرد. هم نگاه کارکردگرایانه و هم نگاه بازتولیدگرایانه از این نکته غافل‌اند که کودکان جامعه‌ای را که در آن به دنیا آمده‌اند بی‌کم‌وکاست درونی نمی‌کنند.

بورديو در مسیری است که به روشی سودمند ما را از جبرگرایی برحذر می‌دارد و نقش فعال‌تری را برای کودک در نظر می‌گیرد. با وجود این مفهوم‌پردازی درباره جامعه‌پذیری، مادام که توجه چندانی به سهم کودکان در پالایش و تغییر فرهنگ نکنند، به محدودیت فعالیت‌های کودکان در مشارکت و بازتولید فرهنگی منجر می‌شود. برای رسیدن به مدلی که حقیقتاً دربرگیرنده یک کودک فعال باشد، باید به پیدایش دیدگاه سازه‌گرایی توجه کنیم.

بیشتر مطالعات اولیه جامعه‌شناختی درخصوص جامعه‌پذیری کودکان از نظریات مسلط در روانشناسی رشد در زمان انجام این مطالعات متأثر بوده‌اند. نظریاتی که اغلب مورد استفاده جامعه‌شناسان قرار می‌گیرند، خصوصاً روایت‌های رفتارگرایانه نقش انفعالی را برای کودکان در نظر گرفته‌اند. در این نظریات رشد مفهومی اساساً یک طرفه است و کودک با تشویق‌های والدین شروع به شکل‌گیری می‌کند. با وجود این بسیاری از روانشناسان طرفدار روانشناسی رشد مابلند کودک را بیشتر فعال در نظر بگیرند تا منفعل.

نقش جامعه در شکل‌گیری شخصیت کودکان: اگر در گذشته شخصیت‌ها در محیط کوچک خانواده شکل می‌گرفت و قابل کنترل و مهار بود و والدین نقش بسیار مهم و مستقیمی در تربیت فرزندان داشتند، امروز مراجع، عوامل و اولیا تربیتی و تعلیمی کاملاً تغییر یافته است. در جهان امروز بیش از دیروز جامعه و زمان نقش تعیین‌کننده در شکل‌گیری شخصیت کودکان ایفا می‌کند. اگر در گذشته شخصیت آنان در دامن والدین شکل می‌گرفت، امروز این جامعه جهانی و زمانه معاصر و ادبیات است که در شکل‌گیری نقش کلیدی و اساسی را ایفا می‌کند.

محیط اجتماعی و عواملی چون کتاب، رسانه و ... نقش اساسی در شکل‌گیری شخصیت افراد دارد. البته در گذشته محیط اجتماعی محدود به محله و شهر می‌شد، اما امروز محیط اجتماعی در دایره جهان معنا می‌شود زیرا جهان چون دهکده‌ای درآمد است و رسانه‌ها و ابزارها و فناوری‌های نوین به گونه‌ای عمل می‌کنند که دیگر محدودیت جغرافیایی معنا و مفهوم ندارد. امروز دهکده جهانی همان محیط اجتماعی است که در تعلیم و تربیت و شکل‌گیری شخصیت نقش ایفا می‌کند. ما همیشه بر این باور بودیم که والدین شخصیت کودک را رنگ می‌دهند، خط و مشی و رفتار او را در زندگی معین می‌کنند و این والدین هستند که براساس روش تربیتی خود کودکی آرام یا نامتعادل می‌پروراند چراکه جغرافیای محدود موجب می‌شد تا محیط اجتماعی آنچنان پر رنگ عمل نکند و خانواده در کنار عامل محیط و زمان قرار گیرد، اما در جهان امروز به سبب گسترش و بهبود فناوری‌های ارتباطی خانواده

به‌طور کامل به کنار نهاده شده و از همان آغاز کودکان با رسانه‌ها و تبلیغات و تعلیمات و آموزه‌های آنان آشنا شده و رشد می‌یابند و هرچه این دامنه گسترش می‌یابد، نقش خانواده کم‌رنگ‌تر می‌شود. در این برهه از زمان نقش نویسندگان به‌خصوص حوزه بازآفرینی و بازنویسی در جذب کودک بسیار مهم‌تر از گذشته است. البته امروزه بازنویسی ساده جایگاه خاصی پیدا نمی‌کند، مگر اینکه اثری باشد که تا به حال بازنویسی نشده است.

از میان کارکردهای ادبیات نقش تعلیمی آن از ابتدا تاکنون برجسته‌تر بوده و بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، تا جایی که برخی آن را کارکرد اصلی ادبیات دانسته‌اند. ادبیات، قصه‌ها و افسانه‌ها در تعیین سناریوی زندگی کودکان نقش به‌سزایی دارند.

ادبیات تعلیمی

ادبیات تعلیمی بخش درخور توجهی در ادبیات محسوب می‌شود و آفرینندگان آن سعی کرده‌اند با به‌کارگیری ابزار داستان مفاهیم و مقولات مورد نظر خود را به مخاطب منتقل کنند. ادبیات تعلیمی کارکردهای متنوعی دارد و امروزه می‌توان آن را در گونه‌های مختلف از جمله در ادبیات کودک، ادبیات عامه‌پسند و ادبیات اینترنتی نیز مشاهده کرد و در فرم‌های ادبی مختلف از جمله رمان، داستان کوتاه، فیلمنامه، نمایشنامه، وبلاگ و حتی ترانه ردیابی کرد. با این تفاوت که در این دوران مفاهیم اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و حقوقی بیشتر به‌صورت پوشیده به مخاطبان القا می‌شود. به‌ویژه در ادبیات داستانی که در آن تعلیم مفاهیم به‌صورت غیرمستقیم از راه نشان دادن وضعیت‌ها و شخصیت‌ها اتفاق می‌افتد.

در حوزه ادبیات دو دیدگاه داریم:

۱. ادبیاتی که صرفاً با نگاه تعلیمی نوشته شده است. (بکن نکن دارد)

۲. آثار کلاسیک که بار تعلیمی دارد. (گلستان، قابوس‌نامه و سیاست‌نامه)

رویکرد به ادبیات کودک بیشتر تعلیم‌وتربیتی است. کار به‌قدری گسترده است که نود درصد ادبیات کودک بار تعلیمی دارد. هر اثری بالقوه مطلبی را تعلیم می‌دهد، اما در ادب فارسی معمولاً این اصطلاح را وقتی به‌کار می‌برند که قصد و هدف نویسنده آشکارا تعلیم باشد.

ادبیات تعلیمی از کجا آغاز می‌شود؟

یک نویسنده، شاعر یا هنرمند تحت چه شرایط درونی و بیرونی (اجتماعی و سیاسی) به این دیدگاه می‌رسد که باید به تعلیم‌وتربیت روی آورد و پا به اقلیم ادبیات تعلیمی نهد؟

آنچه ادبیات‌تعلیمی را شکل می‌دهد، قصد و نیت صاحب اثر از تعلیم و آموزش است. نویسنده به‌واسطه بینش متفاوتی که دارد، به ایفای نقش‌های اجتماعی خود می‌پردازد. همین بینش است که باعث می‌شود چیزی را که او می‌بیند، افراد عادی از درک آن عاجز باشند و همین بینش و شناخت است که تعهد و مسئولیت را در او درونی می‌کند و او را بر این می‌دارد تا همین متفاوت دیدن و اندیشیدن را به جامعه انتقال دهد. (مشرف، ۱۳۸۹: ۴۵)

ادبیات تعلیمی یکی از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین انواع ادبی است که هدف تعلیمی اصلی آن آموزش است و دو معنای خاص و عام دارد. در معنای عام به آثاری گفته می‌شود که موضوع آن مسائل اخلاقی، عرفان، مذهبی، اجتماعی، پند و اندرز و حکمت و ... است. امروزه وقتی از ادبیات تعلیمی سخن می‌گویند، منظور ادبیات تعلیمی در معنای عام است. به‌نظر می‌رسد که شاعران فارسی زبان در سرودن شعر تعلیمی متأثر از اندرزنامه‌هایی باشند که قبل از اسلام در دوران ساسانیان نوشته شده بود. آنچه باعث رونق و شکوفایی و دوام ادبیات تعلیمی گردید، شکل‌گیری عرفان و تصوف در فرهنگ ایران بود. آثار منثور نیز به ادبیات تعلیمی پرداخته‌اند و نمونه‌هایی مثل قابوس‌نامه، گلستان سعدی، سیاست‌نامه و ... پدید آمدند.

روش‌شناسی ادبیات تعلیمی

تعلیمی که از طریق آثار ادبی صورت می‌گیرد، با آموزشی که دانش‌ها، مهارت‌ها و حتی اخلاق را به صورت رسمی یاد می‌دهند، تفاوت‌هایی دارد. از جمله این که تعلیم به وسیله ادبیات در بسیاری از موارد غیرمستقیم است زیرا بسیاری از آموزه‌های ادبیات از طریق دلالت ضمنی تحقق می‌یابد و سر دلبران را در حدیث دیگران به مخاطب آموزش می‌دهند. (محمدی، ۱۳۷۸: ۳۳) همچنین در آثار ادبی عواطف و احساسات نیز ارزش شناختی پیدا می‌کنند و در آموزش نقش ایفا می‌نمایند، بنابراین این موضوعات آموزشی با یکی از حالات عاطفی پیوند می‌خورد و همراهی و همدلی آموزنده را با موضوع و فرآیند یادگیری موجب می‌شود. از این رو آموزش و تعلیم با خشنودی و رضایت بیشتر یادگیرنده همراه می‌شود و این امر موجب می‌گردد تا میزان گرایش او به یادگیری افزایش یابد و قوه ادراک او بیشتر برانگیخته شود. تفاوت دیگر این است که در آثار ادبی از تخیل بهره گرفته می‌شود و بازنمایی پدیده‌ها، حقایق و واقعیت‌ها از طریق امکاناتی که قوه خیال در اختیار ما قرار می‌دهد دنبال می‌شود. آثار ادبی که با هدف تعلیم و آموزش اخلاق پدید آمده‌اند، هم در گذشته و هم در دوران کنونی از گستردگی و تنوع زیادی برخوردارند، مانند آثاری که با عناوین گوناگون مانند اندرزنامه، نصیحت‌نامه، وصیت‌نامه، ناصیح و اخلاق نوشته شده‌اند.

بعد تعلیمی ادبیات در ادب فارسی اصلی‌ترین کارکرد در طول تاریخ بوده است.

ادبیات تعلیمی نوعی هنر میان‌رشته‌ای است که در پیوند مستمر و مستقیم با رشته‌ها و دانش‌های دیگر قرار دارد. آموزش و یادگیری از طریق ادبیات موجب رضایت‌مندی یادگیرنده، اثر بخشی بیشتر و ماندگاری طولانی‌تری می‌شود زیرا عاطفه و شناخت در این گونه آموزش در پیوند باهم قرار می‌گیرند.

قابوس‌نامه

قابوس‌نامه از مهم‌ترین کتاب‌های نثر فارسی است. نویسنده در چهل و چهار باب علاوه بر پرداختن به موضوعات فصل از ذکر هیچ نکته ارزشمندی فروگذار نکرده است. اندرزهای او در حوزه دین، اخلاق عملی، آداب زندگی و پیشه‌ها و مشاغل گوناگون در تمام کتاب جلوه‌گر است. این کتاب جلوه‌های مختلف آداب و آیین‌ها را با زبانی ساده و آموزنده مبتنی بر فرهنگ جامعه ترسیم کرده است. نویسنده سعی می‌کند تا آنجا که ممکن است با جملات کوتاه، لغات و اصطلاحات را به زبان فارسی بیاورد. به دلیل همین ویژگی‌های ارزشمند تاکنون بازنویسی‌های بسیاری از حکایت‌های قابوس‌نامه برای کودک و نوجوان به سرانجام رسیده است. سبک کتاب نثر مرسل است. نثری که از همه قیده‌های لفظی و معنوی آزاد باشد. هیچ‌گونه تکلف و پیچیدگی در آن ملاحظه نشود و بنیان آن بر سادگی و صراحت استوار باشد. عنصرالمعالی در کتاب خویش شیوه‌های تعلیم و تربیت عملی فرزندان را بیان کرده است. وی پندنامه خود را برای تربیت فرزندش گیلان‌شاه نوشته است. این کتاب گذشته از ارزش ادبی دارای ارزش آموزشی و پرورشی بسیار سودمندی است. می‌توان به اهمیت کتاب قابوس‌نامه از دو بعد اجتماعی و تربیتی پرداخت. یکی از غنی‌ترین قسمت‌های این اثر ارزنده بخش محتوایی آن است. بسیاری از مطالب قابوس‌نامه از حکمت عملی مایه می‌گیرد که می‌توان از تعالیم و رهنمودهای دینی، ارزش‌ها و مبانی اخلاقی، آداب و عادات فرهنگی و اجتماعی، علوم و فنون و مشاغل، اندرزگویی نویسنده بر پایه تجارب زندگی، فروتنی و تواضع، صراحت گفتار، صداقت و صمیمیت در سخن و نداشتن تعصب در بیان هر نوع اندرز نام برد. هانری ماسه قابوس‌نامه را به این علت که در کنار وجود اصول اخلاقی روح آزادی بر آن حاکم است، یکی از قابل توجه‌ترین نوشته‌های ادبیات فارسی می‌داند. (ماسه، ۱۳۷۷: ۱۶۷) به این معنی که نویسنده از بیان هیچ نکته‌ای فروگذار نمی‌کند. در کنار بیان پندهای ارزشی و اخلاقی گاه بدون هیچ‌گونه جانبداری و تعصبی به آن سوی مرزهای اخلاق پا می‌گذارد و از لغزش روزهای جوانی خود یاد می‌کند زیرا «از آن دسته ناصحان نیست که خود بر مسند بلند اخلاق و پرهیزگاری به تفاخر تکیه می‌زنند و دیگران را در زیر آلوده دامن و حقیر می‌بینند» (یوسفی، ۱۳۷۴: ۹۱) بلکه با صمیمیت و بدون جانبداری به برخی از خطاهای جوانی اعتراف می‌کند و یا در عشق‌ورزی می‌گوید: «چهد کن تا عاشق نشوی. اگر کسی را دوست داری باری کسی را دوست دار که به دوستی ارزد.»

قابوس‌نامه را به حق می‌توان کتابی اخلاقی قلمداد کرد زیرا آغاز و انجام آن با اخلاقیات است، اما جنبه دیگر اندرزهای او مصلحت‌جویانه و کاسب‌کارانه است؛ گاه پندهای او از تجارب تلخ روزگارش مایه می‌گیرد؛ گاه بیان مطالب تعلیمی کسالت‌آور و خسته‌کننده به نظر می‌رسد و سبب ملال خواننده می‌شود، اما قابوس‌نامه، که اثری کاملاً تعلیمی و آموزشی است، نه تنها ملال‌آور و خسته‌کننده نیست، بلکه مطالعه این اثر چندان جذابیت دارد که خواننده را ساعت‌ها به خود مشغول می‌کند. این ویژگی منحصر به فرد، جدا از تنوع موضوعات و شیوایی بیان نویسنده، به استفاده او از ابزار بیانی خاص برمی‌گردد؛ استفاده از ابزاری چون تمثیل، حکایت، ضرب‌المثل، سخنان حکیمانه، آیات، احادیث، تفسیر و اشعار که علاوه بر ایجاد تنوع خواندن این اثر را دلنشین و زیبا نموده است. با تسلطی که عنصر المعالی بر لطایف و دقایق سخن دارد، به مقتضای حال و مقام در هر موقعیتی کلام خود را به این ابزار بیانی مزین می‌کند و ضمن اثرگذاری بر خواننده او را مجذوب سخن خود می‌گرداند، اما متأسفانه در بازنویسی‌های موجود برای کودکان ملال و خستگی را در متن شاهد هستیم از این رو این گروه سنی تمایلی به خواندن متن‌های کهن نشان نمی‌دهند و بیشتر رو به سوی ترجمه می‌آورند.

بسامد تکرار چاپ بازنویسی در قابوس‌نامه برای نویسندگان از جمله مهدی آذریزدی (قصه‌گوی پر شاخ و برگ) بسیار بالاست. حال با توجه به این بی‌میلی از سوی کودکان علت این افزایش می‌تواند علاقه دوران کودکی والدین به این آثار، انیمیشن در رسانه‌های جمعی و آشنایی بچه‌ها با آن‌ها، قیمت مناسب کتاب به دلیل نداشتن تصویر خاص، بحث سوبسید از سوی ارگان‌های مختلف و خرید کتاب توسط نهاد عمومی کتابخانه‌های کشور براساس سیاست‌گذاری باشد. از این رو اگر از رویکرد تجویزی و رویکرد ارشادی بکاهیم و بر رقابت، دوست داشته شدن و دوست داشتن که همان عوالم کودکی است، بیفزاییم، امید آن می‌رود که کودکان تمایل بیشتری نسبت به این نوع کتاب‌های تعلیمی از خود نشان دهند. در واقع باید دغدغه این را داشته باشیم که ذهن کودک را با چه چیزی درگیر می‌کنیم و آیا این خوراک مناسبی برای او است یا خیر؟ نباید کودک را با مواردی درگیر کنیم که سبب شود کودکی‌اش را بگیریم و برای آینده او برنامه‌ریزی کنیم.

سیاست‌نامه

سیاست‌نامه یا سیرالملوک کتابی به زبان فارسی در آیین فرمانروایی، کشورداری، اخلاق و سیاست‌نامه پادشاهان پیشین است. در حقیقت یکی از نظام‌مندترین کتاب‌های حکومت‌داری است که اندیشه علمی-سیاسی نویسنده به صورت تکنیک‌های قدرت در پنج بخش اصلی پادشاهی، وزارت، قضاوت، دیوان‌سالاری و لشکر داری مدون شده است. سبک نگارش کتاب ساده، روشن و خالی از تصنع و تکلف است. سیاست‌نامه‌نویسی یکی از سنت‌های رایج ایران باستان است؛ این متون از سوی وزیران و درباریان به هدف ترغیب و ارشاد شاه به امور کشورداری و حفظ آرمان و باورهای آن مرز و بوم نگاشته می‌شد. سیاست‌نامه‌ها در قالب‌ها و واژگان تقریباً یکسانی مبنای مفردات اندیشه خود را بیان می‌کردند. سیرالملوک یکی از مهم‌ترین سیاست‌نامه‌های ایران دوره اسلامی است. مطالب و داستان‌های سیاست‌نامه در سه زمان گذشته، حال و آینده عرضه می‌شود. بخش گذشته آن همان حکایات و روایاتی است که آیین و رسوم کشورداری را براساس الگوی عمل پادشاهان گذشته می‌آموزاند. نگاه به آینده در سیاست‌نامه نیز آرمانی به نظر می‌رسد.

با توجه به شواهد تاریخی معلوم می‌گردد که ایران با داشتن سابقه دیرینه فرهنگی به قدمت تاریخ و صاحب ادبیاتی غنی از آن دست مردمانی بودند که بر تعلیم و تربیت درست کودکان تأکید ویژه‌ای داشتند و این مسئله به رویه‌ای فرهنگی نزد این ملت کهن سال بدل شده است، به عبارتی دیگر بیشتر در مورد کودکان است تا برای آن‌ها اما نباید از یاد برد که آثار بسیاری ویژه کودکان نگاشته شده است، اما طبق برخی تعاریف هیچ‌کدام از این‌ها را نمی‌توان در گستره ادبیات کودک جای داد چراکه برخی مضامین آن نوشته‌ها را فراتر از فهم کودک آن روزگار و حتی امروز می‌دانند، اما مطابق تعریفی دیگر از ادبیات کودک که شامل آثار غیرمکتوب (شفاهی) نیز می‌شود و تهیه آن نیز به متخصصان کودک محدود نیست بسیاری از آثار را می‌توان در گستره ادبیات کودک جای داد.

بازآفرینی و بازنویسی

گروهی برآنند که ساده و نو کردن محتوای آثار کهن ضروری است تا نسل‌های جدید از سرمایه‌های فکری و فرهنگی نسل‌های قدیم استفاده کنند زیرا در غیر این صورت گسیختگی فرهنگی و ادبی با خسارتی جبران‌ناپذیر به‌وجود می‌آید. استفاده از روش‌های بازنویسی و بازآفرینی در ایران سابقه‌ای بسیار طولانی دارد و اغلب سرایندگان، شاعران و نویسندگان دوران گذشته از این روش‌ها برای خلق آثار خود بهره برده‌اند.

بازآفرینی سبب تلاطم و افزایش گنجینه‌های ادبیات و هنر هر کشوری می‌شود، دوره جدید بازآفرینی در ادبیات و هنر ایران از زمان قاجار آغاز شده است. در آن زمان چون شعر نسبت به نثر از درجه اهمیت بالاتری برخوردار بود در نتیجه این روش اولین بار در زمینه نظم کارایی پیدا کرد. تحول ادبی در زمینه نثر با ترجمه کتب مورد نیاز محصلین دارالفنون آغاز شد. گرچه در آغاز نقش قائم مقام در اعتبار بخشیدن به نثر غیرقابل انکار است، اما نقش ترجمه در تداوم بالندگی و تحول نثر ایران معاصر بسیار مهم و پراهمیت است زیرا مترجمین با انتخاب واژه‌ها و ترکیب جدید، معادل‌سازی و کوشش برای فهماندن مقصود به مخاطبین، با لغات مناسب، علاوه بر غنا و وسعت بخشیدن به زبان فارسی سبب پرورش ذوق نویسندگی در خود نیز شدند. ضرورت پرداختن به بازنویسی‌هایی که طی چند دهه اخیر از روی آثار کهن فارسی صورت گرفته است، بیش از هر زمانی احساس می‌شود زیرا مشخص شدن ضوابط و صورت‌های گوناگون این روش کاری اساسی و مهم است و به نویسندگان کمک می‌کند ضمن شناخت میانی و انواع آن روش دریابند اکنون ادبیات کودک و نوجوان بیشتر به چه نوع بازنویسی نیاز دارد. از آنجا که حجم بسیار وسیعی از آثار ادبیات کهن فارسی به روش بازنویسی به‌وجود آمده نشان دهنده آن است که در عهد کهن این روش چه میزان در ادبیات فارسی کاربرد داشته و از چه ظرفیت‌هایی برخوردار است. اکنون نیز این روش در ادبیات کودک و نوجوان جایگاه ویژه‌ای دارد، بنابراین بحث درباره ضوابط و اصول آن برای شناخت هرچه بیشتر ضروری است و همان‌طور که گفته شد در بازنویسی نویسنده بدون آن که موضوع و محتوای اصل اثر کهن را تغییر دهد، به ساخت جدید اثر می‌پردازد و هدف نگارنده توضیح چگونگی روش بازنویسی است.

بازآفرینی

بازآفرینی به معنای آفرینشی دیگر سنتی آفرینشگر بوده و ادبیات امروز را به شکوفایی رسانده است. (مشرف آزاد تهرانی، ۱۳۵۴: ۶۳) در بازآفرینی تغییر و تحول در سبک، ساختار و متن صورت می‌گیرد. بازآفرین اثری را مبنا و معیار کار خود قرار می‌دهد و سپس براساس ذوق ادبی، ذهنیات و تخیل خود آن را دوباره می‌آفریند. اگر موضوع اثر تغییر یابد و شکل جدید و ساخت نو پیدا کند، اثر جدید یک بازآفرینی است. (پاپور، ۱۳۸۰: ۱۷) بازآفرین می‌تواند در تمام عناصر ادبی یا داستانی دخل و تصرف داشته باشد. بازآفرینی حوادث به ظاهر واقعی است، به این معنا که نویسنده حوادث و اتفاق‌ها را چه واقعی و چه غیرواقعی بازآفرینی و در دنیای داستانی مشخص دوباره متولد و زنده کند.

- مراحل اجرای بازآفرینی

- گزینش پیش اثر

- دخل و تصرف در تمامی عناصر پیش اثر

- خلق محتوای جدید با توجه به پیش اثر

- چینش و نظم عناصر جدید

بازنویسی

بازنویسی، بازنگری اثری است به اندازه دلخواه به طوری که عمل داستانی شخصیت‌ها-تا حدی که ممکن باشد- و خصوصیات زبانی و لحن اثر اصلی بر جا بماند. (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۲۵) یک بازنویس خوب ابتدا باید بتواند موضوع مناسب بچه‌های این دوره را پیدا کند و بعد نثر آن دوره را به نثر امروز برگرداند. بازنویسی یعنی به زبان امروزی درآوردن اثر کهن به طوری که کهنگی اثر گرفته شود و بر دو گونه است: بازنویسی ساده؛ یعنی اثر کهن را به زبان امروزی درآوردن و بازنویسی خلاق؛ یعنی ساختار نو به اثر کهن دادن. (پایور، ۱۳۸۰: ۱۵) بازنویسی از ادب کهن برای کودک و نوجوان یعنی باز نوشتن اثر کهن به زبان امروزی به اندازه دلخواه و واژگانی مناسب سن مخاطب کودک یا نوجوان به طوری که عمل داستانی شخصیت‌ها تا حدی که ممکن باشد به مناسب شدن اثر با گروه سنی کودک لطمه نزند و خصوصیات زبانی و لحن اثر اصلی به جای ماند. (کریم‌زاد، ۱۳۸۹: ۱۷۷) در مجموع می‌توان گفت در بازنویسی فکر و عقیده جدیدی طرح نمی‌شود، بلکه بیشتر بر چگونگی ارائه عمل‌ها و عکس‌العمل‌های موجود در پیش اثر تأکید دارد و لازم است به زبان و فکر موجود در پیش اثر و ارتباط میان متن اولیه و ثانویه توجه کافی داشت. واژه‌سازی از دیگر وظایف یک بازنویس به‌شمار می‌آید و هرچه دایره واژگانی وی بیشتر باشد (با حفظ درون‌مایه و موضوع اصلی و مناسب احوال مخاطب) متن خواندنی‌تر می‌شود. لازم به ذکر است که بازنویس اجازه دخل و تصرف ندارد. زبان در بازنویسی چه ساده چه خلاق مسئله‌ای بسیار پر اهمیت است و در موقعیت اثر بازنویسی شده تأثیر به‌سزایی دارد، زیرا از ابزارهای ساختاری مهم هر اثری است.

مراحل اجرای بازنویسی:

- گزینش پیش اثر
- حذف مطالب غیرضروری
- افزایش و پردازش برابر متن جدید براساس پیش اثر

بازآفرینی و بازنویسی از قابوس‌نامه ۱۳۶۰-۱۳۹۰

چاپ	تاریخ نشر	ناشر	نویسنده	عنوان
۴۴	۹۰ ۶۴	امیرکبیر کتاب‌های شکوفه	مهدی آذرین‌دی	قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب قابوس‌نامه سندباد نامه
۵	۷۵	پیام محراب	حسن شیرازی	قصه‌های کهن از کلیله دمنه و قابوس‌نامه
۲	۸۷ ۷۵	پیام محراب	حسن شیرازی	قصه‌هایی از قابوس‌نامه
۱	۷۵	اروند	مهرداد آهو	بهترین داستان‌های پندآموز ایرانی قابوس‌نامه، مثنوی و...
۵	۸۷ ۷۶	سپیده	خسرو شایسته مجید سیف	افسانه‌های شیرین از روزگاران دیرین سندبادنامه- قابوس‌نامه
۱	۸۸	مهرآموز	حسین آموزگار	گزیده قابوس‌نامه به زبان امروز
۶	۸۹ ۷۹	پیدایش	مرجان کشاورزی آزاد	قصه‌های شیرین قابوس‌نامه
۲	۸۲ ۸۰	دانش‌آموز	لادن محمودی	داستان‌های قابوس‌نامه (چند مورد)
۲	۸۹	واژه‌سرا	لادن محمودی	داستان‌های قابوس‌نامه (چند مورد)
۱	۸۹	موسسه فرهنگی هنری طاهر	رحمت‌الله رضایی	داستان‌های مقتبس از قابوس‌نامه برای کودکان و نوجوانان

بسامد تکرار قابوس نامه ۱۳۶۰-۱۳۹۰

امیرکبیر	مهدی آذربیدی	قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب
سال	چاپ	سال
۷۹	۲۶	۶۴
۸۱	۲۷	۶۵
۸۲	۲۸	۶۶
۸۳	۲۹	۶۹
۸۵	۳۱	۷۰
۸۶	۳۲	۷۶
۸۸	۳۶	۷۸
۹۰	۴۴	

قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب نوشته مهدی آذربیدی چاپ امیرکبیر در سال ۶۴ به چاپ پنزدهم و درنهایت در سال ۹۰ به چاپ چهل و چهارم رسیده است و این خود نمایانگر محبوبیت آثار بازنویسی این نویسنده است.

بسامد تکرار قابوس نامه

پیدایش ناشر	مرجان کشاورزی آزاد	قصه‌های شیرین قابوس نامه
سال	چاپ	سال
۷۹	۱	
۸۱	۲	
۸۳	۳	
۸۴	۴	
۸۶	۵	
۸۹	۶	

در جست‌وجوی بازآفرینی، بازنویسی و بسامد تکرار در سیاست‌نامه آماری یافت نشد.

از نویسندگان مطرح بازنویسی سیاست‌نامه-قابوس نامه می‌توان به مهدی آذربیدی، مرجان کشاورزی‌آزاد، مزگان شیخی، حسن شیرازی، مجید ملامحمدی، محمد پورهاب و لادن محمودی اشاره کرد.

کتاب‌های مورد نظر در این مقاله اعم از قصه‌های تصویری از سیاست‌نامه، فصل چهارم اندر عمال و پرسیدن پیوسته از احوال وزیران و غلامان (بهرام گور و وزیرش راست روش) و «قصه‌های خواندنی قابوس نامه، باب چهل و چهارم در آیین جوانمردی» است. کتاب قصه‌های خواندنی قابوس نامه بازنویسی خشک و یکنواختی دارد و از آنجایی که تصویرگری آن نیز ساده است، جاذبه کمتری برای مخاطب کودک دارد. در صورتی که در داستان بهرام گور تصاویر رنگی است و متن داستان روان است.

به گفته پراپ ساختار اثر در درون خود اثر وجود دارد و منطق روایت نیز مبتنی بر شیوه‌گزینش و ارائه عناصر داستانی است. شناخت عناصر در به‌کارگیری و بررسی اثر داستانی اقتباس شده ضروری است. (جلالی، ۱۳۹۲: ۲۴)

عامل مهم در انتخاب داستان برای کودک و نوجوان شخصیت‌ها و کاراکترهای داستانی است. در داستان‌های ادبی خصوصاً کهن و افسانه غالباً شخصیت خیالی و غیرطبیعی وجود دارد که زمینه‌ای برای انتخاب داستان براساس نیازهای مخاطب می‌شود. انتخاب درون‌مایه می‌تواند به خواست و هدف اقتباس‌کننده بستگی داشته باشد و لازم است که درخور درک ذهنی، روانی و رفتاری کودک و

نوجوان باشد. تقریباً انواع درون مایه‌ها مورد تجربه اکتباس کنندگان داستانی قرار گرفته‌اند و اغلب نویسندگان در تغییر درون مایه اولیه داستان‌ها و حکایات کهن آزادانه عمل کرده‌اند. کتاب‌های کودک و نوجوان خصوصیت‌های مربوط به خود را دارند. کتاب‌های کودکان حجیم نیستند و در آن‌ها گرایش به برخورد فعالانه بیشتر از برخورد منفعلانه است و اغلب خوش‌بینانه هستند و زبانی کودک‌محور دارند؛ موردی که در بازنویسی‌های مربوط به قابوس‌نامه و سیاست‌نامه کمتر به چشم می‌خورد. در صورتی که می‌توان بهترین استفاده را از دست‌آوردها و اندرزها و سیاست‌های این دو کتاب فراخور حال کودک به‌کار برد.

با آن که ساختار داستان در ادبیات کودک و نوجوان ساده‌تر از ساختار داستان در ادبیات بزرگسال است، عناصر داستان در هر دو مصداق‌های مشابهی دارد. نظام عناصر داستانی در داستان‌های اکتباس شده در ادبیات کودک و نوجوان عبارتند از:

- درون ساخت

- برون ساخت

عناصر درون ساخت

درون ساخت به درون مایه و موضوع اثر گفته می‌شود (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۲۵۵) موضوع شامل پدیده‌ها و حادثه‌هایی است که داستان را می‌آفریند. مضمون یا درون مایه فکر اصلی و مسلط در هر اثر ادبی است. خط یا رشته‌ای که در خلال اثر کشیده شده و موقعیت‌های داستان را در جهت فکری و ادراکی نویسنده نشان می‌دهد. در واقع درون مایه به نوعی شرح و تفسیر موضوع است. می‌توان گفت موضوع و درون مایه دو عنصر داستانی مرتبط با یکدیگرند. نویسنده با کمک این دو مفاهیم موجود در داستان را سازماندهی می‌کند.

عناصر برون ساخت

ارتباط ذاتی بین عناصر اثر، هنری است که کل آن اثر را دربرمی‌گیرد و به آن یکپارچگی و شکل می‌بخشد، بنابراین بررسی بخش برون ساخت یک اثر داستانی، بررسی عناصر تشکیل‌دهنده از آن اثر از قبیل طرح، شخصیت‌پردازی، زاویه دید، صحنه‌پردازی و زبان می‌شود. (یوسفی، ۱۳۸۷: ۲۴)

طرح و پیرنگ ترتیب و نظم وقوع رویدادها در داستان است. در صورتی که انتخاب نویسنده مناسب باشد، کشمکش، تنش و کنش در داستان به‌وجود می‌آید و همین امر موجب جذابیت داستان می‌شود. تودوروف معتقد است که برخی از عناصر داستان را بدون از بین بردن پیوند علی و معلولی رویدادها نمی‌توان از داستان حذف کرد، (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۳۰۰) بنابراین می‌توان گفت طرح نقشه اصلی در یک اکتباس داستانی است و حذف قسمت یا قسمت‌هایی از آن به کلیت داستان آسیب وارد می‌کند. در داستان کودک و نوجوان وقتی موقعیت تبدیل به رویداد می‌شود، شکل اصلی طرح نیز پی‌ریزی می‌گردد. فاصله طرح برای اجرا در این گونه آثار فاصله بین ابتدای نوشته تا انتهای نوشته است. بازپردازنده در داستان‌های اکتباسی باید این فشردگی را اعمال کند، زیرا کار کودک و نوجوان، به‌خصوص کودک، اجازه کنش در تطویل را به نویسنده نمی‌دهد.

امروزه حجم بالای بازنویسی‌ها کار را به جایی رسانده است که کتابی برای گروه سنی ب، ج با ذکر نام مجموعه داستان‌های قابوس‌نامه به چاپ می‌رسد، در صورتی که داستان از کتاب قابوس‌نامه نیست و هیچ‌یک از موارد بالا رعایت نشده است.

نتیجه‌گیری

با توجه به نظریه بوردیو می‌توان گفت پرداختن به متون آموزشی نه‌تنها برای کودک مفید فایده و در آینده او تأثیرگذار است، بلکه سبب پویایی جامعه نیز می‌شود، اما تحمیل ایدئولوژی خود به کودک در عصر کنونی نه‌تنها برای کودک مضر است، بلکه سبب ایستایی جامعه خواهد شد. با تأمل در قابوس‌نامه درمی‌یابیم که این اثر در قلمرو آثار تعلیمی جایگاه و پایگاهی بس بالا و ارزنده دارد و آنچه مسلم است، بسیاری از اندرزهای حکیمانه آن در عین کاربردی بودن، آن اندازه جهان شمول است که ورای زمان و مکان قرار

دارد، به طوری که بعد از طی ده سده در جامعه امروز نیز مصداق می‌یابد. به هرحال *قابوس‌نامه* با ساختار ادبی، زبان، نثر ساده و روان و حکایت‌ها و داستان‌واره-خواه جدی، خواه فکاهه-برای نوجوانان این روزگار هم قابل استفاده است. ساختار واژگانی و معنایی متن به گونه‌ای است که خواننده برای راهیابی به آن‌ها کمتر به واژه‌نامه نیاز خواهد داشت. بازآفرینی داستان‌های قابوس‌نامه برای مخاطبان کودک و نوجوان ضمن آن که داستان‌هایی با پیام‌های خوب، انسانی و ماندگار به دست می‌دهد، یکی از منابع و کتاب‌های باارزش زبان فارسی را هم به کودکان و نوجوانان می‌شناساند. البته کمترین سهم *قابوس‌نامه* به ادبیات کودک و نوجوان اختصاص یافته و این مربوط به نوع نگاه جامعه آن روزگار به مقوله کودک و نوجوان برمی‌گردد. با جست‌وجوهای انجام شده نمونه بازآفرینی از کتاب *قابوس‌نامه* برای کودک و نوجوان یافت نشد، صرفاً بازنویسی‌های تکراری موجود است. در زمینه کارهای بازآفرینی و بازنویسی سیاست‌نامه نیز نمونه‌ای از بازآفرینی یافت نشده و نمونه بازنویسی آن نیز به مراتب کمتر از *قابوس‌نامه* است، اما با این وجود در دو نمونه بازنویسی موجود در این مقاله بازنویسی داستان «بهرام گور و وزیرش راست روش» روان‌تر و مناسب‌تر از بازنویسی داستان *قصه‌های خواندنی قابوس‌نامه*، باب چهل و چهارم در آیین جوانمردی برای مخاطب کودک است. با توجه به هجمه بازنویسی‌های تکراری امروزه بازنویسی ساده نمی‌تواند جایگاه خاصی در ادبیات کودک پیدا کند، مگر آن که بازنویسی اثری باشد که تا به حال بازنویسی نشده باشد. عدم بازآفرینی مناسب و تکرار بازنویسی‌ها بدون رجوع به متن اصلی و عدم آشنایی کافی با متن مادر به مراتب ارزش و تأثیرگذاری متون کهن را کم می‌کند و این می‌تواند زنگ خطری برای ادبیات کهن و ادبیات اقتباسی به‌شمار رود.

منابع

- پایور، جعفر. (۱۳۸۸) *بازنویسی و بازآفرینی در ادبیات*. تهران: کتابدار.
- _____ (۱۳۸۰) *شیخ در بوته*. تهران: اشرفیه.
- جلالی، مریم. (۱۳۹۲) *شاخص‌های اقتباس در ادبیات کودک و نوجوان*. تهران: طراوت.
- خواجه نظام‌الملک، ابوعلی حسن. (۴۸۵ هجری) *سیاست‌نامه*. تهران: تهران مصور.
- شاه‌آبادی، حمیدرضا. (۱۳۸۵). *مقدمه بر ادبیات کودک* بحثی در شناخت مفهوم *دوران کودکی*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- شیخی، مژگان. (۱۳۹۵). *قصه‌های تصویری از سیاست‌نامه*. تهران: قدیانی.
- کریمزاد، منوچهر. (۱۳۸۹). *چهل قصه*. تهران: طرح نو.
- کشاورزی آزاد، مرجان. (۱۳۷۹). *یک تکه بلور*. تهران: شباویز.
- _____ (۱۳۷۸). *قصه‌های خواندنی قابوس‌نامه*. تهران: پیدایش.
- کورسارو، ویلیام ای. (۱۳۹۳). *جامعه‌شناسی کودکی*. ترجمه علیرضا کرمانی و مسعود رجبی اردشیری. تهران: ثالث.
- ماسه، هانری. (۱۳۳۷). *تمدن ایرانی*. ترجمه عیسی بهنام. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- محمدی، محمدهادی. (۱۳۷۸). *روش‌شناسی نقد ادبیات کودکان*. تهران: روزگاران.
- محمدی، محمدهادی و قایینی، زهره. (۱۳۸۴). *تاریخ ادبیات کودکان ایران*. تهران: چیستا.
- مشرف، مریم. (۱۳۸۹). *جستارهایی در ادبیات تعلیمی ایران*. سخن و دانشگاه شهیدبهشتی.
- مشرف‌آزاد تهرانی، محمود. (۱۳۵۴). «بازآفرینی در ادبیات کودکان ایران». *فصلنامه کانون پرورش فکری*. ش ۴-۳، صص ۵۷-۶۵.
- میرصادقی، جمال. (۱۳۷۶). *عناصر داستان*. تهران: سخن.
- مینوی، مجتبی. (۱۳۵۱). *نقد حال*. تهران: انتشارات خوارزمی.
- وانوا، فرانسیس. (۱۳۷۹). *فیلمنامه‌های الگو، الگوهای فیلمنامه*. ترجمه داریوش مودبیان. تهران: سروش.
- یوسفی، غلامحسین. (۱۳۸۷). *قابوس‌نامه*. تهران: علمی و فرهنگی.
- _____ (۱۳۷۴). *درس زندگی (گزیده قابوس‌نامه)*. تهران: انتشارات سخن.